



جشن شاهنشاهی ایران

این روزنامه یکبار در تاریخ ملی ۱۰۰ شماره و در تیر ماه برای تیرماه برابر تیرماه جمهوری برابر تیرماه سرکارشوروم همراه با آملف اتمار میاید

شماره بیست و یکم: سهشنبه ۲۶ مردادماه ۱۳۵۰

راهی که به اوج اعتلا می پیوندد

تصویر - چاپ انکارا صفحه چهارم

ایران به جرگه کشورهای صنعتی وارد می شود

از: روزنامه تراوای چاپ بروکسل

* روایت کتزیاس طیب در بار هخامنشی
پرده از افسانه پردازی هرودوت بر میدارد

تاریخ کشورمان را خودمان بنویسیم

در صفحه ۷ چاپ شده است

پیک، این حلقه پیوندها و الفت های انسانی

بنیان شادکامی، بسلامت زندگی اجتماعی استوار است. بر اساس اساس تعاون و همکاری در همه جنبه های مادی و معنوی، و استواری اساس زندگی اجتماعی، دو گونگی پیوندها، در فلسفه عمل و عاطفه است. آنگاه که

رفسناس آریائی و میراث اسلامی ایران

سرمدیر مجله نیلیسن هند، در شرفیابی به حضور شاهنشاه آریامهر، درباره جشن های شاهنشاهی، این رنسانس آریایی و میراث اسلامی ایران، سؤال کرده است و این سؤال است که برای کسانی که تاریخ دیرینه سال ایران را میدانند، و از فارو بود بافتن تاریخ و تمدن و فرهنگ آگاه نیستند، پیش می آید. اما، آنچه شاهنشاه، به سرمدیر مجله هندی پاسخ فرمودند، گره سؤال را میگشاید. شاهنشاهی ایران، از آغاز، یک آیین روحانی بوده است، و تا امروز، این پیوند خود را، با روحانیت، حفظ کرده است، و پیوسته، بر آن افزوده است. پیش از آنکه اسلام یابد، شاهنشاهی ایران، به دین زرتشت، که دینی برتر از پرستش ارباب انواع بود تکیه داشت، و هنگامی که اسلام بر خاست، و روح یکتاپرست فرهنگ ایرانی، تجلی گامخورد، در این آیین یافت، شاهنشاهی ایران، شاهنشاهی اسلام بنا نهاد. و شاهان و شاهنشاهان ایران، به گسترش اسلام، و پیش بردن امر دین بزرگ خدای پروا آوردند. و قریب است که، تعلق خاطر ملت ایران و شاهنشاهی آن بچنان مذهب حقه جعفری است و ایران، پیوسته مزرعه پرورش فرهنگ و تمدن اسلامی، و پناهنده حصار اسلام بوده است.

در ایران
عظمت گذشته
همزمان با
امیدهای مطمئن آینده
جشن گرفته می شود

برای جشن شاهنشاهی

برنامه پرشکوه کشور تونس



در صفحه چهارم چاپ شده است

۵۷ روز تا آغاز جشن شاهنشاهی فاصله داریم

جشن شاهنشاهی ایران، جشن تمدن جهانی است

* بررسی هنر تراش صور حیوانی
در دوره هخامنشی

در صفحه دوم



چه کسی را دادگر توان گفت؟

داریوش شاه گوید:
« به درستکاری راه ببردم. نه به ناتوان و نه توانا زور نوززیدم »
« پختی از بند سیزدهم ستون چهارم سنگ نبشته داریوش بزرگ در بیستون »
آفر، که نمیتواند دستان خویش را به ستم آلود، نمیتوان « دادگر » دانست. چه، « دوا » توان، بیایان بقیه در صفحه ۵

چهره سازنده جشنها

در صفحه هشتم چاپ شده است

رؤ شماره ۵۰۰ سانسایرین

سپاهیان روم، در چال در دلیران ایران، آنگونه شکستی دیدند که حتی مجال عقبنشینی نیافتند. آنان، دیوانهوار، مانند آسیبه که بیروز زلزله را دریافت و در اندیشه گریز، مانعی را نمی‌شناسد، به‌دین‌ت روی نهادند. اما سپاهیان ایران، دلوری می‌فریبند و بدر مرکز میکشاند، و گالریوس، ویرانه‌ها که در آستانه مرگ بودند، و هر لحظه اسارت را در برابر خود تصویر میکردند، دست فرات انداختند و سرزید زدن و خود راه عجلانه، به‌امواج رودخانه کزن باموجهالی که چون پشتهای کبیر بریزگ آنان فرود میامد، پیچیدند و جان بدر بردند. ورفی دیگر، برگشت، ورفی که نمایشگاه شوک ایران، و نیروی شگرف‌اندیشه و رهنمودی شاه، و دلوری و جانبازی سپاهیان ایران بود. برکوه‌ها نام ایرانی و ایرانی

۳۰۱ - شاه ایران، که بنیان شاهنشاهی را بنیاد نهاد، بنیان جوانی میدهد تا آنرا با نیروی بیشتر، پاسداری دهد و نیز، با بهره‌جویی از اندیشه‌های تازه، و دست‌بکارهای آرزنده‌های زنده که ایران‌زمین نیازمند است و مردم برای رسیدن به رفاه، باید آنرا دریابند، با جوانمردی و دلگشا، و در منش شاهان ایران‌زمین جلوه‌ی دارد، تخت شاهی را به‌سرش «همیداس» یا هرمز دوم سپرد. ستایش براندش‌های والای شاهان باد.

۳۰۱ - شاه برومند، نخست، در آئین تاجگذاری، سیاسی خود را به‌پای زینت و تکیه‌های اکتفا آئین سپاس بجا آورد. او و پادشاهی نامناله خود دریافتند بود که امده است تا عمل وادرا بکنند. او فرمان راند دعوات نامسی شود و خود، همواره مستمند را تشویق میکرد تا از ظلم‌ها که بر آنها رفته، به‌بیشگاه او، پیام‌آوردن تا به‌جاده‌جویی‌بخیزد و ستکاران را گوشمال دهد. عمل او، در همه‌جا، از منظر بساط عدالت و عدل‌و‌ادامت‌مشغول‌شدن شاه مهربان و مصلوب، و که اندیشه‌های جز رفاه مردم سرزمین پهنای ایران نداشت، در ایران‌سال، در تیردی که میان اعراب و اعراب‌بند، اورا، و بخلاف آئین مردی از پادگوارند. اما تاریخ فضاوت کرده آنان خونبهای ژوایی پرداختند. دستهای انتقام‌گر،

عناصر ترسینی را به‌یادی هم قرار داده یا داخل یکدیگر کرده یا از یکدیگر جدا نمودند و این طریق نمونه‌های ترسینی جدیدی بوجود آوردند.

نمونه‌های بسیار خوبی از این نوع جام‌ها در گنجه همداغ پیدا شده، مانند آب خوری‌هایی با کتیبه، و به نام شاهنشاهان، در میان یکی از شقایق‌های طلائع که در این محل کشف گردیده بود. نوع خود بنظیر است، یک عقاب در حال پرواز نشان‌دهنده شده‌است. در این نقش بنابر سنت‌های قدیم، مربوط به پسر پرتغالی رلستان، سرو پند و پای‌های زرینی که از پهلوی دیده شده‌اند، در حالی که بال‌ها و دم آن از جلو مجسم گردیده‌اند.

در میوه‌های فرونی جام تقصره، زرینی است که روی آن نقش تزیین بر یک‌گالو که در دیواره‌ها برجسته شده‌است دیده میشود. و لی در اینجام زرنگی زبانی از سکه‌های پارتی در هنر خود نشان داده و پرتاغ این دو حیوان حرکت و زنجیر داده است. یک پاک پرتاغی هرا، گنجه «کازیک» در قفقاز پیدا شده، که در آن نقش‌قوای نشان داده شده، که پشت به‌هم

خمسوما با توجه به حرکت سر حیوان، بسیار قابل تمییز است. این نوع ظروف، که چیزی شبیه به کوزه‌بیشی شکل و جسم شیبه به‌شاق حیوان اند، مدت‌ها دوره‌ای از هنرمندان ایران بود و در دوران اسکانی و ساسانی نیز ساخته میشد و حتی از حدود ایران نیز خارج شده در میان همسایگان رسوخ پیدا کرد.

نوع دیگری شبیه به ظرف بالا است، بر روی بدنه آن شیرانهای و دو دست آن در شکل اسبابی مجسم شده که در بالای سرشان چیزی شبیه به تکه است، و از این جهت به حیوانات اضافه ای «زویه» شایع پیدا میکنند. ترسینی که برای بیرون آمدن باغی از این ظرف در نظر گرفته شده، با ظروف دیگر اختلاف دارد. یکی از آن دو حیوان تخیالی است و سر خود را به عقب برگردانده و نیز آن لرله طرف قرار گرفته است. نقاط نشانگان دو ملت در نقش برجسته تخت جمشید از نوع ظرف‌ها در دست‌داری و اساطیر دارد که سنت مربوط به این ظرف‌ها در دوران کورستان (ب) سیاهک در ایران وجود داشته است. در ظروف سیاهک نیز مایع داخل ظرف از نوک کوتاهی بیرون می‌آید.

حیوان اند تقریباً همه جا بیابک و روش هر ناحیه دیده میشود. بی‌شک اینها بیابک‌هاست که در این ظروف دیده شده است. از آن‌ها می‌توان گفت که در این ظروف، بیابک‌ها را در شکل‌های گوناگون، با پیکارهای گوناگون، در این ظروف دیده شده است. در این ظروف، بیابک‌ها را در شکل‌های گوناگون، با پیکارهای گوناگون، در این ظروف دیده شده است. در این ظروف، بیابک‌ها را در شکل‌های گوناگون، با پیکارهای گوناگون، در این ظروف دیده شده است.



سنگ تراشیده شده در دوران ساسانی

بررسی هنر تراش صور حیوانی در دوره هخامنشی

۳۰۱ -

که در بالای آن قسمت جلو آسبی مجسم شده است. در کنار آن زینت حیوانی، که جسم شکل را از نظر نمود، نمانده، بیابک هنرندگی وجود دارد که موضوع این تاجی با پیکارهای هندسی تزیین شده است. می‌تواند، در گروه جام‌های که قسمت‌های گوناگون برآمده‌ای درازواز فلزات قیمتی هستند، عناصر ترسینی مهمی که در پایه تقصام ترکیب تزیینات آن جام است، گال چند پر یا برگ‌خرا می‌مانند، که از هنر آشور الهام گرفته است. شننا عناصر دیگری که به نظر این رسوخ و اساطیر اند از طبیعت گرفته شده‌اند مانند نقش شیبه به فندقی که در اطراف زینت شیبه به بر افشانه شده، یا نقش شیبه به قطره آب شده، یا شکل پام یا گل، یا کاریک‌های نایب‌آری. این عناصر می‌تواند، که در حرکت دورانی روی جسم وجود می‌یابند و شننا هاشمکی مستوی دارند، گاهی تغییراتی در نقش هندسی مینمایند شده و

حیوان اند تقریباً همه جا بیابک و روش هر ناحیه دیده میشود. بی‌شک اینها بیابک‌هاست که در این ظروف دیده شده است. از آن‌ها می‌توان گفت که در این ظروف، بیابک‌ها را در شکل‌های گوناگون، با پیکارهای گوناگون، در این ظروف دیده شده است. در این ظروف، بیابک‌ها را در شکل‌های گوناگون، با پیکارهای گوناگون، در این ظروف دیده شده است.

که در بالای آن قسمت جلو آسبی مجسم شده است. در کنار آن زینت حیوانی، که جسم شکل را از نظر نمود، نمانده، بیابک هنرندگی وجود دارد که موضوع این تاجی با پیکارهای هندسی تزیین شده است. می‌تواند، در گروه جام‌های که قسمت‌های گوناگون برآمده‌ای درازواز فلزات قیمتی هستند، عناصر ترسینی مهمی که در پایه تقصام ترکیب تزیینات آن جام است، گال چند پر یا برگ‌خرا می‌مانند، که از هنر آشور الهام گرفته است. شننا عناصر دیگری که به نظر این رسوخ و اساطیر اند از طبیعت گرفته شده‌اند مانند نقش شیبه به فندقی که در اطراف زینت شیبه به بر افشانه شده، یا نقش شیبه به قطره آب شده، یا شکل پام یا گل، یا کاریک‌های نایب‌آری. این عناصر می‌تواند، که در حرکت دورانی روی جسم وجود می‌یابند و شننا هاشمکی مستوی دارند، گاهی تغییراتی در نقش هندسی مینمایند شده و

حیوان اند تقریباً همه جا بیابک و روش هر ناحیه دیده میشود. بی‌شک اینها بیابک‌هاست که در این ظروف دیده شده است. از آن‌ها می‌توان گفت که در این ظروف، بیابک‌ها را در شکل‌های گوناگون، با پیکارهای گوناگون، در این ظروف دیده شده است. در این ظروف، بیابک‌ها را در شکل‌های گوناگون، با پیکارهای گوناگون، در این ظروف دیده شده است.

که در بالای آن قسمت جلو آسبی مجسم شده است. در کنار آن زینت حیوانی، که جسم شکل را از نظر نمود، نمانده، بیابک هنرندگی وجود دارد که موضوع این تاجی با پیکارهای هندسی تزیین شده است. می‌تواند، در گروه جام‌های که قسمت‌های گوناگون برآمده‌ای درازواز فلزات قیمتی هستند، عناصر ترسینی مهمی که در پایه تقصام ترکیب تزیینات آن جام است، گال چند پر یا برگ‌خرا می‌مانند، که از هنر آشور الهام گرفته است. شننا عناصر دیگری که به نظر این رسوخ و اساطیر اند از طبیعت گرفته شده‌اند مانند نقش شیبه به فندقی که در اطراف زینت شیبه به بر افشانه شده، یا نقش شیبه به قطره آب شده، یا شکل پام یا گل، یا کاریک‌های نایب‌آری. این عناصر می‌تواند، که در حرکت دورانی روی جسم وجود می‌یابند و شننا هاشمکی مستوی دارند، گاهی تغییراتی در نقش هندسی مینمایند شده و

۲ -

موضوع جامی که در این ظروف دیده میشود تقریباً زینت و رنگ آن با اندامهای گوناگون و رنگ‌های گوناگون است که در این ظروف دیده شده است. در این ظروف، بیابک‌ها را در شکل‌های گوناگون، با پیکارهای گوناگون، در این ظروف دیده شده است.

که در بالای آن قسمت جلو آسبی مجسم شده است. در کنار آن زینت حیوانی، که جسم شکل را از نظر نمود، نمانده، بیابک هنرندگی وجود دارد که موضوع این تاجی با پیکارهای هندسی تزیین شده است. می‌تواند، در گروه جام‌های که قسمت‌های گوناگون برآمده‌ای درازواز فلزات قیمتی هستند، عناصر ترسینی مهمی که در پایه تقصام ترکیب تزیینات آن جام است، گال چند پر یا برگ‌خرا می‌مانند، که از هنر آشور الهام گرفته است. شننا عناصر دیگری که به نظر این رسوخ و اساطیر اند از طبیعت گرفته شده‌اند مانند نقش شیبه به فندقی که در اطراف زینت شیبه به بر افشانه شده، یا نقش شیبه به قطره آب شده، یا شکل پام یا گل، یا کاریک‌های نایب‌آری. این عناصر می‌تواند، که در حرکت دورانی روی جسم وجود می‌یابند و شننا هاشمکی مستوی دارند، گاهی تغییراتی در نقش هندسی مینمایند شده و

که در بالای آن قسمت جلو آسبی مجسم شده است. در کنار آن زینت حیوانی، که جسم شکل را از نظر نمود، نمانده، بیابک هنرندگی وجود دارد که موضوع این تاجی با پیکارهای هندسی تزیین شده است. می‌تواند، در گروه جام‌های که قسمت‌های گوناگون برآمده‌ای درازواز فلزات قیمتی هستند، عناصر ترسینی مهمی که در پایه تقصام ترکیب تزیینات آن جام است، گال چند پر یا برگ‌خرا می‌مانند، که از هنر آشور الهام گرفته است. شننا عناصر دیگری که به نظر این رسوخ و اساطیر اند از طبیعت گرفته شده‌اند مانند نقش شیبه به فندقی که در اطراف زینت شیبه به بر افشانه شده، یا نقش شیبه به قطره آب شده، یا شکل پام یا گل، یا کاریک‌های نایب‌آری. این عناصر می‌تواند، که در حرکت دورانی روی جسم وجود می‌یابند و شننا هاشمکی مستوی دارند، گاهی تغییراتی در نقش هندسی مینمایند شده و

که در بالای آن قسمت جلو آسبی مجسم شده است. در کنار آن زینت حیوانی، که جسم شکل را از نظر نمود، نمانده، بیابک هنرندگی وجود دارد که موضوع این تاجی با پیکارهای هندسی تزیین شده است. می‌تواند، در گروه جام‌های که قسمت‌های گوناگون برآمده‌ای درازواز فلزات قیمتی هستند، عناصر ترسینی مهمی که در پایه تقصام ترکیب تزیینات آن جام است، گال چند پر یا برگ‌خرا می‌مانند، که از هنر آشور الهام گرفته است. شننا عناصر دیگری که به نظر این رسوخ و اساطیر اند از طبیعت گرفته شده‌اند مانند نقش شیبه به فندقی که در اطراف زینت شیبه به بر افشانه شده، یا نقش شیبه به قطره آب شده، یا شکل پام یا گل، یا کاریک‌های نایب‌آری. این عناصر می‌تواند، که در حرکت دورانی روی جسم وجود می‌یابند و شننا هاشمکی مستوی دارند، گاهی تغییراتی در نقش هندسی مینمایند شده و

شهر یارانی که تاریخ با عنوان «کبیر» از آنان تجلیل کرده است

۱- کورش سازنده تاریخ



شاهنشاه آریامهر در پیم نوری امثال پس از آنکه سال جدید را «سال کوروش بزرگ» نام نهادند، از این شاهنشاه هخامنشی بعنوان «مرد بزرگ تاریخ ایران و همه جهان» نام بردند و این نکته مهرا یادآوری فرمودند که هیچ فرهنگ و تمدنی را در جهان امروز نمیتوان یافت، مگر اینکه بنیوی از فرهنگ و تمدن ایران باستان بهره گرفته و تحت تاثیر آن قرار داشته باشد. و راز استقبال بیسابقه جهانیان از جشن های دهرار و نایندمین سال بنیاد شاهنشاهی ایران نیز دقیقاً در همین گفتار شاهانه خلاصه شده است. زیرا کوروش، نخستین بنیان گذار جوامع جهانی، با اتکاء

از بند تسلط بیگانه آزاد کردند، و آنگاه کار ایشان سرخس سلیز مردم آسیایه. این حادثه در اواخر قرن هشتم قبل از میلاد اتفاق افتاد و از آن پس نخستین قوم ایرانی حکومت بر سرزمین خویش را آغاز کردند، دولت خونخوار آشور را از میان برداشتند و به توسعه مرزهای سرزمین خویش پرداختند. اما بنیاد و شش سال پس از اهدام دولت آشور قومی دیگر از نژاد اصیل آریایی - یعنی پارسیان - بر دولت ماد پیروز شدند و پدیشان کوروش، نخستین پادشاه پارس دولت ماد را با تمام ضلالت آن به قلمرو پارس پیوست و امپراتوری را بنیاد نهاد، که نه از نظر وسعت تا آن روز نظیرش دیده و شنیده شده بود و نه از لحاظ روش غالی حکومت و مملکت داری مثل و مانندی داشت.

شاید کوروش خود بهتر از هر کسی می دانست حکومتی را بوجود آورده و تمدنی را بنیان نهاده است که باید مثل فرزان فرهنگ و انسانیت را فرآورد همه جهانسان گیرد، دنیای قدیم را از وحشت ظلم و بیاداری، جهالت و نادانی، و توحش و بربریت نجات دهد و در طول تاریخ منادی انسانیت و اخلاق و هنر و ادب باشد. و همین دلیل بود که قبل از هر چیز تشکیلات نظامی بوجود آورد کفایت بود سرزمینی آنچنان پهناور را با قدرت و حرکت اداره کند، سپاهی تشکیل داد که نیرومندترین سپاه دنیای قدیم بود، با اربابهایی که توسط شازده گاه قوی کشیده میشدند و در حقیقت پیشقراول تانکهای امروزی بودند. اما تاریخ هرگز یاد ندارد که از این دستگاه حکومتی، با از این ارتش قوی بنظر نیل بهدافتی که فرمانروایان قبل از کوروش داشتند، استفاده کند. سلطنت کوروش کبیر بیش از بیست و یکسال بطول نیاچامید اما هر یک از این سلطنت بر افتخار بر قسب مردم، بی شازد یک قرن جاودانگی برای او و دوران فرمانروایی با خود داشت. چنانکه هم اکنون جهانیان بیست و پنجمین قرن بنیاد شاهنشاهی بزرگ ایران را توسط او جشن میگیرند و پدیشان از خاطره کوروش تجلیل می کنند.

در این بیست و یکسال کوروش کبیر چه کرد؟ چگونه پادشاهان بابل، لودییه و مصر که میخواستند مانع پیشرفت های کوروش شوند پیروز شد؟ با چه شیوه نغمه های ذر بیرونند و کوروش با بابل در هم گشت. با آزادی ملیت و بیرون مذهب گوناگون نام خود را بنظر احمیت در تاریخ جهان ساخت، بلکه باعث شد نامش در کتب مذهبی و در کارنامه پیامبران نجا بخوش آورده شود.

برای پاسخ گفتن به این پرسشها نگارش تاریخی قطور لازم است، اما در مقاله ای دیگر خواهیم کوشید، که رویدادهای ایسن دوران بیست و یکساله را باجمالی بیان کنیم و بررسی میراث اقلند این بیست و یکسال بر دایم که تا بیست و پنج قرن بعد - تا امروز - بر سرش آید. هر گره تاریخی و وابسته بیست و یکساله همیشگی اندیشمان، بر شوهر و بیست و یکساله حق و حیثیت انسان، خواهد بود.

داشت. این بار فاتح کوروش و پارسیان دلیر سپاهی او بودند. کبیر خود تمدن، صلح و انسانیت و آزادی ملتها را بارمان می بیند و کبیرتای که قناتر نسلهای بعدی انسان را درباره پدراشان تغییر داده، چنین بود:

«... بابل را باستانی گرفت، بی جنگ و جدال، در میان شادی مردم وارد شهر شدم. اوضاع داخلی این شهر مرا متاثر کرد از ویران شدن خانه های مردم جلوگیری کردم و نگذاشتم که دارائی ایشان ناچیز شود. مردم بابل را گرد آوردم و خانه های ویران شده را از نو ساختم...»

کشف کتیبه کوروش کبیر نه فقط عقیده منفی مردم را درباره اجتماعات باستانی تغییر داد، بلکه اذهان همه محققان و صاحب نظران میتوان جستجو کردیافت.

انسانها، در قیاس با کبیر، از منتهای مختلف، از توان های گونه گون، و از پیشها و شعورهای متفاوت بهره گرفتند. و بخصوص از نظر نیروی جسمانی، هیچکس از آدمیزادگان را، همسانی نیست. این آئین طبیعت، در کار اجتماع جمعه گوی است. و آدمیزادگان از دیدگاه نفسود ثروت، و به یک پایه، سپهر نمیدانند. و این، با میزان شایستگی و باستیگی آنان، وابسته است.

این نیست که هر «ناتوان»، عادل است و در عرصه هستی، بیاری «داده» برمی خیزد. بیایی این سخن را، و این عقیده را، باز نمودیم. اما این هست که آنکه توانایی دارد، و از میراث خود از طبیعت و تلاش خود، در راه گذراندن پلیدی و میراثی اهریمن، سود نمیرد، «دادگر است. زیرا همه امکانات را در اختیار گرفته است و دست و به خطا و گناه شماره بیست و یکم

شاهنشاه آریامهر در پیم نوری امثال پس از آنکه سال جدید را «سال کوروش بزرگ» نام نهادند، از این شاهنشاه هخامنشی بعنوان «مرد بزرگ تاریخ ایران و همه جهان» نام بردند و این نکته مهرا یادآوری فرمودند که هیچ فرهنگ و تمدنی را در جهان امروز نمیتوان یافت، مگر اینکه بنیوی از فرهنگ و تمدن ایران باستان بهره گرفته و تحت تاثیر آن قرار داشته باشد. و راز استقبال بیسابقه جهانیان از جشن های دهرار و نایندمین سال بنیاد شاهنشاهی ایران نیز دقیقاً در همین گفتار شاهانه خلاصه شده است. زیرا کوروش، نخستین بنیان گذار جوامع جهانی، با اتکاء

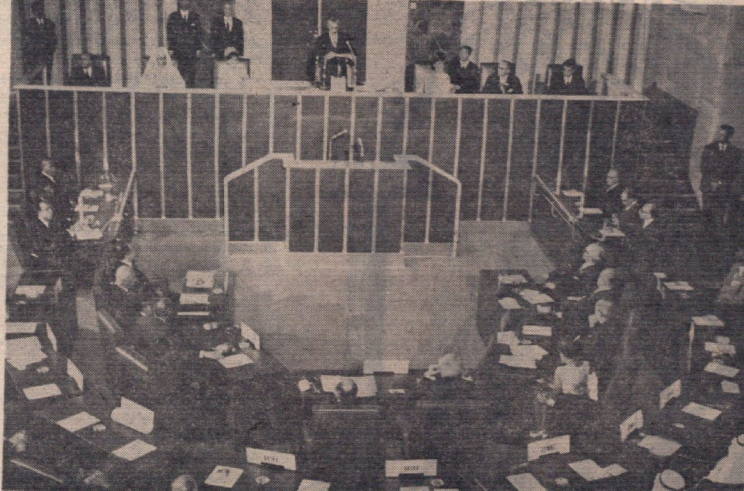
از خود بجای نهاده است افتخار میکند که «خاک شهر کوروش را و شهرهای دیگر را آشور کشیدم و کوروش را از آبی محروم کردم و آن سرزمین را از زمین و گوسفند و نعمات موسیقی و نصب گر آئینم و پدندان گماران و جانوران وحشی سپردم! آری، اجتماعات و حکومتهایی از این قماش قبل از کوروش نیز وجود داشتند. ولی آیا میتوان نام چنان جوامعی را «جامعه تمدن» که هیچ، حتی

و تمدن بشری و سازنده تاریخ میدان این گفته سخن گراف یا شعاری ناشی از میهن پرستی ایرانیان نیست. این واقعیتی است که نادش - پروهان و اندیشمندان مغرب زمین حتی قبل از خود ایرانیها بر آن وقوف یافته اند. آنان که تلاش انسان را در راه ایجاد یک جامعه منتمد از آغاز تعقیب میکردند و به کبیرتای چون کارنامه آشوربانی پال، دیگر آثار غم انگیز و شرم آور اینگونه باصلاح تمدن را بر خورده و تقریباً نومید شده بودند، بناگهان با کشف یک کتیبه دیگر در پیچه های روشن دنیای تازه و بیروشان گشوده شد. این کتیبه از دنیاشی دیگر و تمدنی دیگر سخن میگفت. از جهانی که در آن پیروزی جنگی بمعنی تسلط بر زنان و روابط یک بیگانه با سارت بردن آنان و ایجاد و رواج دادن برده های باغ و مغز بود، بلکه کشودن یک کشور مفهومی عمیق و انسانی

چه کسی را دادگر توان گفت؟
بقیه از صفحه ۱
بردن این کار نیست. و نمیتوان پذیرفت که سرشت و آنگاه که در خود توانایی دست یازیدن بدست را دید، بازم، دستان او را بسوی پاکیزه و باوری، و در همسوزن شود. آندیندا، هرگز نمیتوان بطور قاطع، پیشینی کرد. بویژه آنگاه که فشار دگرگونی پذیرد.

فکر آمو در این است که در خود «توان» ستم گری داشته باشد و از آلودن دستان خود، به سیالیه این چشمه سار که اهریمن در آن ششمنه است، در نیوزد. فضیلت آدمی، در پیروزی او، از پلیدی هاست. و کدام پلیدی، بیش از همه، سپاهی و تیرگی پذیرفته؟

بی گمان، «بندگاری» و بپاید بپاید آوری ایسن نکته بر خاست که مفهوم تمام پلیدی ها در این کلمه، و این ترکیب، روز نامه جشن شاهنشاهی

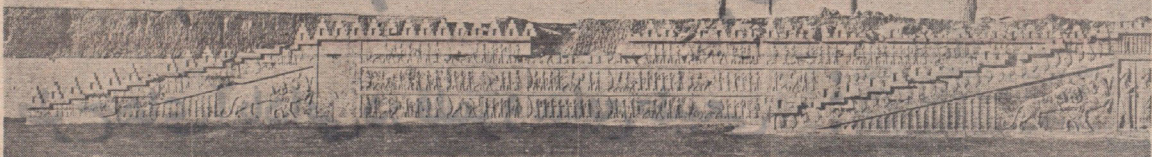


۱۷ شهریور ۱۳۴۴ - شاهنشاه کنگره بزرگ مبارزه بایسوازی را افتتاح فرمودند

- ۱۲ - مراد
- ایران و شوروی درباره مشخصات ساختمان سد ارس توافق کردند. ۸۰ هزار کنتار اراضی زیرکشت دشت مغان از آب ارس آبیاری میشود و ۴۰ هزار کیلووات برق سد با یک شبکه انتقال فشار قوی به تبریز میرسد.
- رابطه تلفن‌کاربر تهران - خرابان کاز مستگاههای ترمینال سه‌کانالی تأمین میگردد افتتاح شد. با شروع کار این مستگاه به‌طور قویان - شیروان - اسرئین - از طریق مشهد با کلیه مراکز که تلفن‌کاربر دارند مرتبط خواهند شد.
- دو شمع تازه بانک کشاورزی برای کمک به کشاورزان بدوکان و نقد افتتاح شد.
- اولین کنگسه ساختمان بنای درمناگه استوار شهید آیت‌الله شکرکی در قزوین به زمین زدمند.
- کلاسهای بهداشتی و تبلیغاتی برای ۱۲۰ کارگر کنتارگاد تهران بمنظور آموزش اصول فنی و بهداشتی کشتار شروع بکار کرد.
- ۱۳ - مراد
- مبلغ ۱۰ میلیون ریال از طرف شرکت ملی نفت ایران برای توسعه برنامه‌های آموزشی از طریق تلویزیون‌های ایران و آبادان واگذار شد.
- ۱۶ - مراد
- شاهنشاه درلیم خاص ۱۴ مراد فرمودند: « با انقلاب شش‌بهین مشروطیت ایران رو به تکامل رفت ».
- قرارداد فروش ۳۵۰ هزار متر مکعب نفت خام ایران با ژاپن امضاء شد.
- ۱۷ - مراد
- قرارداد جدید بازرگانی ایران و لهستان با اجرا گذاشتند رقم مبادکالا میان دو کشور درطول سه سال به ۸۸ میلیون دلار بالغ میشود.
- وزارت آبادانی و مسکن برای اجرای مرحله دوم اسفالت‌خیابان های تهران قراردادی، با هزینه‌ای به مبلغ نودوشش میلیون شصت و هفتاد هزار ریال با پیمانکار امضاء کرد.
- وزارت اقتصاد موافقت کرده دوکارخانه اومبیل سازی در ایران وارد شود. کارخانه اومبیل‌سازی ایران باسویال سالانه هفت هزار دستگاه و کارخانه رامیار پنجاهزار دستگاه اومبیل در ایران می‌سازند.
- هیات وزیران مبلغ یازده هزار ریال برای ساختمان تاسیسات جدید اردبیل را امر اختصاص داد.
- ۱۸ - مراد
- درحضور نمایان ایران مرکز ورزشی نیم‌بهای در ۳۵ هزار متر مربع دارای ۱۴ استخر - ۴ زمین والیبال - ۴ زمین بسکتبال و پارک‌وگان میباید گشایش یافت هزینه ساختمان این پارک ۳ میلیون ریال بود.
- قرارداد خرید و شب آب توربین آبی و یکسگانه مولد برق بین سازمان آب منطقه‌ای تهران و یک شرکت ایتالیایی امضاء شد دستگاه توربین آبی بیست و هفت هزار اسب و دستگاه مولد برق بیست و دو هزار اسب کیلووات نیرو داره و هزینه خرید و نصب آن به هفتصد و بیست و چهار هزار تومان هفتصد و پنجاه دلار میرسد.
- ۱۹ - مراد
- قرارداد اسفالت ۷ خیابان عمده واسلی دز تهران با اعتباری به مبلغ ۹۶۱۸۵۰۰۰۰ ریال به امضاء رسید.
- بیست‌هفت هزار اراضی شرکت ملی نفت در اهواز برای پیشرفت طرح صنعتی اهواز مورد اسفاله قرار گرفت.
- ۲۰ - مراد
- قراردادهای ساختمانی اسکله بندر بوشهر برای کشتی‌های ۵ هزار تنی پیشرفت.
- سازمان مودکولک برای نگاهداری اطفال زبان‌کارگر تشکیل شد.
- ۲۲ - مراد
- فرودگاه جدید شهر لار شروع بکار کرد.
- ۲۳ - مراد
- مبلغ ده میلیون ریال برای پرداخت وام کشاورزان پنبه‌کار مناطق فسا و داراب در نظر گرفته شد.
- ۲۴ - مراد
- بهرورداری ازخطوط لوله ۶ اینچی نفتخانه کرمانشاه آغاز شد. کوئی کارگران صنعت نفت در کرمانشاه که ۱۰۰ خانه در آن ساخته شده افتتاح گردید.
- ۲۵ - مراد
- نصب پارتی سوم تلفن‌های خودکار شیراز شروع شد.
- عملیات مرمت مدرسه چهارباغ اسفهان از محل ۷ میلیون ریال اضافی شاهنشاه پایان یافت.
- ۲۶ - مراد
- برای توسعه دانشگاه تهران ۶۰ میلیون ریال اعتبار تازه اختصاص یافت.
- مرحله دوم اجرای قانون اصلاحات ارضی در اسرئین و درفستان پایان یافت و بین‌ترین کشاورزان ۳۳۰۰ قریه و ۱۴ هزار و ۱۳۰ پختی صاحب زمین شدند.
- ۲۷ - مراد

- ۱ - مراد
- ۲ - مراد
- ۳ - مراد
- ۴ - مراد
- ۵ - مراد
- ۶ - مراد
- ۷ - مراد
- ۸ - شهریور
- ۹ - شهریور
- ۱۰ - شهریور
- ۱۱ - شهریور
- ۱۲ - شهریور
- ۱۳ - شهریور
- ۱۴ - شهریور
- ۱۵ - شهریور
- ۱۶ - شهریور
- ۱۷ - شهریور
- ۱۸ - شهریور
- ۱۹ - شهریور
- ۲۰ - شهریور
- ۲۱ - شهریور
- ۲۲ - شهریور
- ۲۳ - شهریور
- ۲۴ - شهریور
- ۲۵ - شهریور
- ۲۶ - شهریور
- ۲۷ - شهریور
- ۲۸ - شهریور
- ۲۹ - شهریور
- ۳۰ - شهریور
- ۳۱ - شهریور
- ۳۲ - شهریور
- ۳۳ - شهریور
- ۳۴ - شهریور
- ۳۵ - شهریور
- ۳۶ - شهریور
- ۳۷ - شهریور
- ۳۸ - شهریور
- ۳۹ - شهریور
- ۴۰ - شهریور
- ۴۱ - شهریور
- ۴۲ - شهریور
- ۴۳ - شهریور
- ۴۴ - شهریور
- ۴۵ - شهریور
- ۴۶ - شهریور
- ۴۷ - شهریور
- ۴۸ - شهریور
- ۴۹ - شهریور
- ۵۰ - شهریور
- ۵۱ - شهریور
- ۵۲ - شهریور
- ۵۳ - شهریور
- ۵۴ - شهریور
- ۵۵ - شهریور
- ۵۶ - شهریور
- ۵۷ - شهریور
- ۵۸ - شهریور
- ۵۹ - شهریور
- ۶۰ - شهریور
- ۶۱ - شهریور
- ۶۲ - شهریور
- ۶۳ - شهریور
- ۶۴ - شهریور
- ۶۵ - شهریور
- ۶۶ - شهریور
- ۶۷ - شهریور
- ۶۸ - شهریور
- ۶۹ - شهریور
- ۷۰ - شهریور
- ۷۱ - شهریور
- ۷۲ - شهریور
- ۷۳ - شهریور
- ۷۴ - شهریور
- ۷۵ - شهریور
- ۷۶ - شهریور
- ۷۷ - شهریور
- ۷۸ - شهریور
- ۷۹ - شهریور
- ۸۰ - شهریور
- ۸۱ - شهریور
- ۸۲ - شهریور
- ۸۳ - شهریور
- ۸۴ - شهریور
- ۸۵ - شهریور
- ۸۶ - شهریور
- ۸۷ - شهریور
- ۸۸ - شهریور
- ۸۹ - شهریور
- ۹۰ - شهریور
- ۹۱ - شهریور
- ۹۲ - شهریور
- ۹۳ - شهریور
- ۹۴ - شهریور
- ۹۵ - شهریور
- ۹۶ - شهریور
- ۹۷ - شهریور
- ۹۸ - شهریور
- ۹۹ - شهریور
- ۱۰۰ - شهریور

تاریخ کشورمان را خودمان بنویسیم



روایت کتزی یاس طیب در بار هخامنشی، پرده از افسانه پردازی هرودوت بردارد

تنها به گوشمال شما میآید به گوشمال قومی که با حد خود بیرون گذاشته است و به قلمرو شاهنشاهی و بهرمه زفرفرمان شاه شاهان دست اندازی کرده است، و با ما از ما میزند.

دراین که ، سکاها ، پس از همجواری شاهنشاهی ایران ، در یک منطقه تازه باین قوم ، یا تیرهائی از این قوم ، از روی عادت، به دست اندازی ادامه داده اند همان کار که در دوران شاهي مستقل لیدیه نیز می کردند ، و هر زمان دچار کمیود محصول زراعی و دامی قابل عرضه با همسایگان یونانی خویش میشدند ، شالگیر بهجد شهر هجوم میبردند و دست بغارت میکنند، جای بحث نیست، سکاکی دست دراز عادت کرده بودند ، از هر فرصت، برای دست اندازی بهشهرهای یونانی نشین آسیای صغیر استفاده گند ، و با تانکه مراده و دادوستد تمام بازرگانی و مبادله کالا بین سکاها و باقی اقوام آن قلمرو بوجود آمده بود ، از دست اندازی و غارت این شهرها روی گردان نبود و حاصل این دستبردها ، و نیز معاملات دائم با یونانی ها این بود ، که به پایتخت های مورخان قدیم تیره های آمیخته از یونانی - سکاکی در میان قبیایل سکاکی وجود آمده بود ، که بیشتر سکاکی بود ، سکاکی دست دراز عرضه کننده غله ، و گروهی از اقلام مهم کالا ، بعد از استخراساخو شاهنشاهی پارس ، در مرزهای آسیای صغیر نیز ، عادت ناپسند خود در ایب گوشمال نمی توانست رها کند ، و به دست اندازیها و غارت ها ، در راهها و شهرهای امن شده برای عبور کاروانهای کالا می برد ، اخت ، که همراه گریز به داخل سرزمین ناشناس و گمنام گریز ، و جز در فصل معین امکان سفر جنگی در آن وجود نداشت ، و همین اعتقاد که سرزمین های وحشی و پناهنده قلمرو سکاها ، دام مرگ بیگانه است ، سکاها را بغارت گریز و بهرودن صحراهای خاموش شوشبگ میگردد ، و در حدت اندازی ، سکاها ، بسا شیوه ای که داشتند ، یب گوشمال مانده بودند ، و احتیاطا را نیز بقبای گنجه میزدند نیگردد ، و اقامت آنها علاوه بر آن آرایش امن و مرزهای غربی ایران زمین را ، و بهر چه بود ، بسیار تیره های نیمه وحشی ، و گروهی از پارانکند ساکی جزیره ها ، لیدری میبندید که به سکاها ، اقتدا ورزند ، و همان حادتهای را بیافرینند .

علاوه بر این علت تصمیم داریوش را ، باز نیگمکت ، چه باعث شده بود ، که فرمانروای آبادترین و ثروتمندترین قلمرو تمدن ، از بی بی تیره کوچ نشین نیمه وحشی ، در سرزمین های پایان نا پذیر به حرکت درآید ؟ چرا ، و او دوجا باین مطلب اشاره میکند ، یکی در آغاز بحث خود ، و باین شرح : « پس از تسخیر پایتخت داریوش قصد سکاها را کرد ، چون آسیا بر حومیت بود ، و پول زاریان وارد میشد ، داریوش در مورد برآمد که سکاها را از جهت ناخوشوار هائی که در مملکت مانده کرده بودند ، مجازات کند ، در آسیای هشت ، چنانچه من بالاتر گفتم ، سکاها بیست و هفت سال غلبه داشتند (از دریای خزرستان ، ارمنستان ، کردستان) در تعقیب کیمری ها ، سکاها داخل آسیا شده مادها را درم شکستند » .

و بعد باز ، به قه گوئی میپردازد ، و روایت هائی که گوید ، اگر چاشنی تاریخ خوشی نمیگرد ، تألیف را قاصی میدانسته است . و این بیان اوه هنگامی که به گزارش سائنه هجوم سکاها ، بایران زمین میدریم ، آشکار میشود ، چه اندازه بواقع ضلله راه ، و در آن دوران حرکت کند زمان ، هرودوت ، طوری از واقعاتی که صد و دووازه سال از آن گذشته ، یاد کرده است که گوئی در گردود شاهنشاهی داریوش روی داده ، اینکه ، و آشکارهای خشی کنند این واقعه را نقل کنند ، رادیرگی ، هنگام نقل اسامی سکاها ، همسایگان ، از زبان ، همسایگان سکاها ، اشاره ای به موضوع هست ، آنجا که همسایگان از یاری دادن به سکاها ، روی میگردد ، و سرزنش آمیز میگویند سیاه شاهنشاه ایران ،

خادمان یونانی وی ، در قلمرو شهرهای زسر فرمان ، یا گروههای مزدور ، آورده است بازیافت ، و پذیرفت که هرودوت چه اندازه حتی دسرهم کرین مطالب غرض آلود ، دچار بی اطلاع و تمس دانش ، نسبت به مسائل و امور جنگ و صلح و کشوداری زمان خویش بوده است . هنگامی که از قلمرو روایت کتزیاس ، با فراتر گذاریم ، و واقع مربوط به رابطه سکاها و شهرهای ایران را ، بخاطر بیابورم که حادثه آن ، یک دوران مسلمانو فرون از مسلمانان را تا روزگار داریوش دربر میگرفته است ، نیک میتوانیم دآوری کنیم که آنچه داریوش در کار سکاها ، اندیشه کرده بود ، بسیار آگاهانه ، و دنبال یک سابقه دور بود ، و این سابقه را که به روزگار شاهنشاهی هوختره میرسد ، و واقع مربوط به رابطه دوازده سال پیش است ، برای روشن کردن محتوی مفهوم جنگ داریوش با سکاها ، بررسی خواهیم کرد ، تا ثابت شود که ساحت شاهزنگی چون داریوش ، و با آن برنامه و سیاست ، بسی برتر و بالاتر از افق دید ، و برداشت هرودوت ، منافع گزارش او قرار دارد . پس از اینکه با پیشه هرودوت نقل کرده ، آشنا شدیم ، اگر بپذیریم او نقل کننده امینی است ، حاصل دآوری ما این خواهد بود که میزان فرهنگ و آگاهی یونانی های دوران داریوش را بر این گزارش بکناریم ، و این در سرزمین گنجه شاهنشاهی پسچیم ، تفافله عظیم میان دوفرهنگ آشکار شود . مطالب هرودوت ، از لشکر کشی داریوش ، بسرزمین سکاها ارضی ، قصه وار بود ،

کتزیاس ، طبیب دربار هخامنشی ، که شاه داریوش دوم و اردشیر را درک کرده ، کتزیاس دارد که روح افسانه سازی یونانی بر آن حاکم است . و گناه بدیده های نیز نمیتوان اعتقاد کرد ، و این به زمانی مربوط است که یاری ، احساس یا اعتقاد شخصی او ، در میان مایند ، نقل های نیز ، به سرعت ، پایه و اساس دارد ، و یکی از آن موارد نا در نقلی است که از تهیه بدیده لشکر کتزیاس ، داریوش اول به سرزمین سکاها میگرد ، و نقل او ، گذشته از آنکه چون در میدان شاهنشاهی هخامنشی میزنسد ، با آگاهی از شیوه های ارتباط ، شاه شاهان ، بامر زمین های قلمرو وی ، و ترقیب حل و فصل آنها ، و تشدید لشکر کتزیاس ، هراه است ، باعتبار و منطبق نیز سازگاری دارد . کتزیاس میگوید : و این مربوط به زمانی است که داریوش تصمیم گرفته است ، به سرکوب سکاها متجاوز گریز یا برد - قبل از حرکت به سکاکیه ، داریوش از یاریا زامنه والی کاپادوکیه ، امز کرد ، تحقیقائی دربار ، سکاکیه بکند و او یک سفر جنگی مختصر بعرض شهرهای سیاه باسی کتشی و ولعه کمی از سیاهیسان بسه سکاکیه کرد ، بعد نفراسیر آورده که در میان آنان مارا سکاکنامی بسر اد یکی از رسوای سکاها بود ، و او اطلاعات مهمی به داریوش در باب سکاکیه داد .

آریارانه که کتزیاس نام میبرد ، از شاهنشاهی کاروان شاهنشاهی بشمار میرفته است . باین نقل کوچک کتزیاس ، مشقت مهم افسانه گویی های هرودوت باز میشود ، و در عین حال این نقل ، قاطعی را میرساند که داریوش سندی گوید از آن بریستون بسا بغسغان نقش کرده بود ، و پیروزی بر سکاها در اربوا ، و از جانب رایترو فرمانده آنها ، و گذاشتن کسی از جناب خویش بر آنها و جاری کردن فرمان شاهنشاهی بسرزمین سکاکیه ، و این سکاکیه ، که داریوش آن را از طریق دریای عبور از بسفور ، تصرف و رام میکند ، از آن سکاکیه که هرودوت بزرگ رام کرده ، جداست ، چنان که در سنگ نبشته نیز از آن ، جدا یاد میشود . حالا میتوان ، ارجح باقی قه گوئی های هرودوت را ، دربار گزارش اقامت داریوش ، در کنار بسفور ، و گفت و شنود ، داریوش با

پیک ، این حلقه پیوندها و الفت های انسانی

چشمگیرتر دارد ، و بیوند خوشی ، با خودی است که میان گروهی خاص از آسیاها ، که با هم پیوند های نزدیک خونی و فامیلی دارند ، حکومت برناند ، و همین پیوندها ، ریاست استواری ، پیمان خویش ، و اساس زندگی بشری است ، و آنان اما اثری در یک عهد ، و میتوان ، چه در فامیلی چند سائت ، و بسا چند دقیقه ، مردم آن سکاکنامی را از جزایات و قیامت اگاتیانست ، برای آگاهی دادن به مردمانی که در شهر های دیگر ، بزرگ کتزیاس آگاهانده و میان شهرها ، و با سکا گریز خشی ، و راهها ، داشته اند ، و هر گروه ، در کنار آنها ، ارتباط میسر که در دوره ، نایند میبود و آورده است .

چشمگیرتر دارد ، و بیوند خوشی ، با خودی است که میان گروهی خاص از آسیاها ، که با هم پیوند های نزدیک خونی و فامیلی دارند ، حکومت برناند ، و همین پیوندها ، ریاست استواری ، پیمان خویش ، و اساس زندگی بشری است ، و آنان اما اثری در یک عهد ، و میتوان ، چه در فامیلی چند سائت ، و بسا چند دقیقه ، مردم آن سکاکنامی را از جزایات و قیامت اگاتیانست ، برای آگاهی دادن به مردمانی که در شهر های دیگر ، بزرگ کتزیاس آگاهانده و میان شهرها ، و با سکا گریز خشی ، و راهها ، داشته اند ، و هر گروه ، در کنار آنها ، ارتباط میسر که در دوره ، نایند میبود و آورده است .

کشورهای بیحاشته جهان درآمد است
گمشرفت و بشرفت و اسل
ارتباطات ، و سازمان دقیق آن
به گونه ای است که هر مردم ،
در دور نزدیک و دفاصله گمنگتر
از آن تابه ای ، از آنچه در ایران
میباشد ، و جهران میگرد ، از ایلی -
عابدند ، و جهری ووشن و بخرانه
بمهریان او ، که با دستمده نا یوران
در قیامت و سوائل ارتباطات
جمعی ، به مریدیه فراسر از
دیگر کشوداری منقطه شده
باید ، نیز وسائل ارتباطات
علم و دانش ، بعد راهها ، از میان
رفته است ، و دیگر ، بوست راهها
که به وست مجموع تشنهات و کوهها
و دردها و جنگها و کوره هایست
نمی توانند بعنوان مسئله ای حسدی
در برابر پیوندهای گونه گون
منطق مردم ، امروز ، آرزوی
نحت جهری های اندیشه منتهی
و ترقی یافته شاهنشاهی جوانان
خود ، و آنگونه در بار نرفی تمام
نهاده ، که باید گفت همیشه

پیکه ، فراتر میباشند و در
یوسول در آن دفاصله دوازه
ساعت که هر یک ، بکسرده و بی توقف
در ساخوقوا بستگاه
های میان راه ، در مکانی که
خاص آنجا بود ، و به استراحت
میمنتند . در آنجا ، همواره
چند بیک آمده ، برای گذر
راند ، با اسبابی نازنه نفسی
ایستاده بودند و هر یک ، که از
راه میرسید پیام دستور و اماتات
خود را به یک مظار میبرد
و دستور ، و بجای او ، از مرکز
و آن ساعت ، همین شبان را ،
و در بیان پیامها و دستورها و
اماتات به یک بعدی ، بکار میدرد
تا سرانجام آخرین بیب ، در مین
در میامت

کلیها ، از شاهها بهر که
پست در آن دفاصله ایستادن
دیگرمت بودند و در ایسین
شاهها ایبه هت شاه تیسین
و به یاری سیاهیان جوانان و
دیگر سیاهیان کارگران ، شاهشاهی
از نائمی و دستبر در کاروانها ،
نبرد .

حسبهای جشن از داخل و خارج



طرح‌های آبادانی در قلمرو منابع طبیعی

چهره سازنده جشنها

... نهارکاری و سرسبز کردن، مملکت از اندیشه‌های شاهان هخامنشی بویژه کوروش بزرگ است. در کتیبه‌های تخت جمشید، «سرو» این درخت سایه‌گستر حجازی شده است و نشانه نوحه شاهان ایران زمین به اهمیت کاشت و مراقبت و گرمای داشت، درخت میبشاید.

... سایه بزرگاری ۲۵ قرن پادشاهی ایران بروی کورهای مناطق خشک دام‌گسترده است ... عظمت و شوکوهی که در جشنهای شاهنشاهی ایران وجود دارد، و اهمیت سازندگی آن بیجان پایه‌ایست که یک وجب از این خاندان را فراموش نکرده است ...

... ساختمان و هتل برای شهر ... اسکله برای بندو ... راه و آب بهداشتی و درمانگاه و مدرسه برای روستا ... درخت و بندرآشانی برای کورها ... ایجاد فضای سبز برای مناطق خشک ... برنامه‌های وسیع دیگری است که بهیمنت برگزاری فرخنده جشنهای شاهنشاهی ایران در نقاط مختلف مملکت اجرا میشود ...

گسترش جنگلکاری

همانگونه که اشاره شد، توجه به منابع طبیعی و توسعه برنامه‌های در این زمینه نیز همراه با سایر برنامه‌ها بنیاست برگزاری جشنهای شاهنشاهی ایران، دامنه گسترش خود را می‌یابد و نهایت کوشش مبذول می‌شود تا در این فرصت معتتم بسیاری از برنامه‌ها بصورت فشرده عملی شود. آنچه در زیر می‌آید فهرستی است از این برنامه‌ها و کارها ...

- جنگلکاری در کلاردشت بوست ۷۰ هکتار
- جنگلکاری در گردنه قوچک ۴۰۰ هکتار
- جنگلکاری و ایجاد فضای سبز در استادبوم یکمدهزار نثری بوست ۵۰ هکتار
- همچنین غرس نهال یادبود در ۲۵۰۰ مدارس روستائی که بنیاست جشنهای شاهنشاهی احداث میگردد.
- بنیاست برگزاری جشنهای شاهنشاهی ایران، عملیات ساختمانی آموزشگاه عالی جنگل و مرتع کرگان که در پرورش جوانان و تعلیم آنان در زمینه شناخت اهمیت حفظ جنگل و مرتع نقش مؤثری دارد، تکمیل میشود.
- بنیاست برگزاری جشنها، ساختمان کارخانجات مجتمع چوب نکا که یکی از پروژه‌های بزرگ صنعت چوب ایران است تکمیل میشود.

برنامه‌های اقتصادی شیلات

- شیلات ایران برای بزرگداشت جشنهای شاهنشاهی ایران، ناوگان بزرگ صید ماهی را در آبهای آرام خزر، برای اولین بار بحرکت درآورده، و یکی از پیشرفته‌ترین پروژه‌های صیماعی را در مملکت باجزا درمی‌آورد.
- ناوگان صید: مششلیر یک فروند کشتی «مدار» بطرفیت ۱۱۰۰ تن میبشاید و ۵ فروند کشتی کوچک صیادی بطرفیت ۳۰۰ تن برای اجرای سیستم صید تعقیبی، طی مراسم باشکوهی باب انداخته میشود.
- بهنگام برگزاری جشنهای شاهنشاهی ایران، مرکز پرورش و تکثیر ماهی در سنمکتر، کتایش می‌یابد وادامه کارها، ساختمانی آن نیز شروع میشود.
- ایجاد کارگاه پرورش و تکثیر ماهی که نقش مؤثری در جلوگیری از انهدام نسل‌های مختلف ماهی دارد، بازده اقتصادی قابل توجهی داشته و نیز از لحاظ تکنیکی، بسیار پیشرفته است.
- عملیات ساختمانی این مرکز از یکسال پیش با اعتباری معادل ۳۴ میلیون تومان آغاز گردیده و بزودی پایان میرسد.
- قدرت فعالیت مرکز مزبور ۲ بار قابلیت بهره‌برداری درطول سال را دارد و هر بار حدود ۳۵ میلیون بچه‌ماهی تکثیر و به‌آب دریاها و رودخانه‌ها ریخته میشود ...

گشایش پارکهای جنگلی

- احداث و تکمیل پارک جنگلی فرحناز در شیراز درمسافتی معادل ۳۰۰ هکتار.
- احداث پارک جنگلی بیستوندر کرمانشاه بوست ۵۰۰ هکتار.
- جنگلکاری اوکالیپتوس در اهواز وسمت اجرای این طرح ۱۵۰ هکتار میبشاید.
- جنگلکاری در آلاشت بوست ۵۰ هکتار
- جنگلکاری در گلیداغی بوست ۱۰۰ هکتار
- جنگلکاری در رامسر بوست ۲۰۰ هکتار

رسانس آریائی و میراث اسلامی ایران

بنیه اصله ۱
آیین برای رهائی انسان از شرک و خودپرستی است، با آنچه طی دوران فترت وی‌خیری، در قلمروممالک اسلامی جاری شد، با بنیادهای روشنائی روز، و تاریکی شب فموزت‌های رها شده از هجوم قبایل عقیمانده و نیمه‌وحشی سرزمینهای شمال شرقی آسیا، به قلمرو تمدن اسلامی، یکی از عوامل این فاصله بشمار میرود. برای درک جنبائی اسلامی که پیامبر آورد، و رهبران بزرگ اسلام، آنرا پیش بررند، و چنان شوری در میان مسلمانان پدید آوره که جهانگیرند، با آنچه بنام اسلام منشاء خودگی ملل مسلمانگت و مسلمانان، سربلند، ونوآور، و پدیدآورنده بزرگترین فصل تمدن‌را، به مردمانی عقیمانده، اسیر، و زبون و ستمکش تبدیل کرد، کافی است، فاصله بین آزادیگی و زبونی‌را در نظر بیاوریم.

اسلام، روح آزادی، ومنع استعمار، و روح برادری را بین ملل جاری ساخت و این حکمت اسلامی، اساسی و پایه منشور انقلاب سفید است. شاهنشاهی ایران، با نخب نظام آریای و رعیتی، درواقع یک جهاندنهی تاریخ فرهودند. و امروز، میلیونها زن فرود ایرانی، به شکستگی که بنماز می‌ایستد، با دل‌های امیدوار و سراز از ایمان، به شاهنشاه دعا میکنند درمیان شاهنشاهان ایران بعداز اسلام هرگز آوج ایمان مذهبی و روحانیت شاهنشاهی، به دوراندزاستر زسیدبوده ایمان مذهبی ازین بزرگتر و تابناکتر که شاهنشاه میلیونها زن فرود مسلمانرا، از قید اسارت، نجات دادند، و این جهاد بزرگ، را پاک‌تهدربری فرمودند، و هیچ‌مانع هسرا اندازه صعب و دشمنانقتی نمیشود، در برابر اراده و ایمان استوار شاهنشاه تاب نیآورد؟

اراده شاهنشاه ایران تمام گرفت که از ملتی،

دستخوش عقب ماندگی قربها، ملتی که فقر و جهل را، وسیله نجات آخرت میدانست، و باوضع وحالی که داشت، زبان بدگوینان را، به آیین مقنن اسلام دراز کرده بود، ملت و کشوری پیشرو، و مرفه و نونه پدیدآورده، و امروز همین ملت، اعجاب و تحسین دنیا را برانگیخته است، و این همه اعجاب و تحسین دنیا، نتاثر از ملت و کشوری می‌شود که امروزه نقطه تقاهم و محور دوستی و برادری اسلامی است و ملل مسلمان جهان را با هم‌تاه و برادری میخوانند،

— راستی این‌همه جزیک معجزه ایمان مذهبی چه میتواند باشد؟

یونند عمیق شاهنشاه بامذهب، که هرروزمظاهر آن جلوه‌گراست، و اینکه شاهنشاه، بیوسته در لحظه های خطر، از حمایت و یغی‌زوال الهی در نجات کشور و ملت خویش برخوردار بوده‌اند، و ایمانی که در بیان و رفتار شاهنشاه میدرخشد، روشن‌ترین پاسخ به کسانی است که درباره رابطه رسانس آریائی و تمدن اسلامی ایران میپرسند.

تمدن قدیم ایران، و شاهنشاهی دوهزاروپانصد ساله‌ا، آن درخت تنومند و باروری است، که برپیکر آن، آیین و رجوانند و بی‌وزوال اسلام، بیونند خورده است، و ازاین بیونند آن‌چنان تمدن برپکوهی پدید آمده‌است که مظهر آن، انقلاب سفید ایران است. که مظهر آن شاهنشاهی ماست، و جلوه‌آن، درنیات و در اراده شاهنشاه آریامهر چون خورشید می‌تابد. فروغ شهرهای مذهبی ایران، و بناهای قدیم استوار حصریم بزرگان مذهب، همجا از تابش ایمان شاهنشاه و خاندان شاهنشاهی است. و شاهنشاه ایران، با آزادی‌تمندی حکیمانه، که تجلی دوهزارو پانصد سال فرهنگ و تمدن ایرانی است، درعین‌تامین عالیترین امکان آزادی عقاید، خود، از ایمان و روحانیت سرته‌اند.

آیا اربلهای ازاین استوارتر، بین آیین اسلام و آیین دوهزاروپانصد ساله شاهنشاهی میتوان یافت؟

کمیته جشن شاهنشاهی

در چکسلواکی

رئیس اجرائی

جناب آقای ی. کورشنیک رئیس فرهنگستان

علوم چکسلواکی

اعضای کمیته

- دکتر م. بروژک وزیر فرهنگ جمهوری سوسیالیستی چک
- آقای م. والک وزیر فرهنگ جمهوری سوسیالیستی آسلاواک
- آقای ا. ک. ترهلیک رئیس فرهنگستان علوم آسلاواک
- آقای ل. میسکا و معاون فرهنگستان علوم چکسلواکی
- آقای ب. روسیتسکی معاون فرهنگستان علوم چکسلواکی
- آقای دکتر ژ. زوسکا شریک برابرتسلواوا
- آقای پروفسور دکتر اولکیا رئیس انستیتوی ایرانشناسی فرهنگستان علوم چکسلواکی
- آقای پروفسور ف. کاور عضو انستیتوی ایرانشناسی فرهنگستان علوم چکسلواکی
- آقای دکتر ل. دوله‌ژال عضو مرکز ایرانشناسی فرهنگستان علوم آسلاواک
- آقای دکتر ل. درووزیک استاد دانشکده زبان‌شناسی دانشگاه پراگ
- آقای دکتر ی. بچکا استاد انستیتوی ایرانشناسی فرهنگستان علوم چکسلواکی